یادداشت

امریکا همچنان دشمن شماره یک



علی‌حسن حیدری
کارشناس سیاسی

برای شناخت جایگاه امریکا در افکار عمومی مردم ایران، باید فراتر از اختلافات سیاسی روز و مناقشات جاری، به تاریخ روابط دو کشور و مجموعه رفتارهایی توجه کرد که طی قریب به یک قرن اخیر، تصویری از مداخله، سلطه‌طلبی، استعمار، فشار و تهدید و تحریم را در حافظه تاریخی ایرانیان شکل داده است. واقعیت این است که تقابل امریکا با ایران نه با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و نه به اختلاف بر سر برنامه هسته‌ای یا سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی محدود می‌شود. ریشه این تقابل را باید در تلاش مستمر امریکا برای اثرگذاری بر سرنوشت سیاسی، هویت فرهنگی، استقلال و جهت‌گیری راهبردی ایران جست‌وجو کرد؛ روندی که از دوران پهلوی آغاز شد و پس از انقلاب، با ابزارها و شیوه‌های متفاوت ادامه یافت. از همین منظر، عنوان «امریکا همچنان دشمن شماره یک مردم ایران» صرفاً یک تعبیر سیاسی نیست، بلکه برآمده از انباشتی از تجربه‌های تاریخی و رفتارهای عملی دولت امریکا در قبال ملت ایران است.

برای فهم این واقعیت، باید به دورانی بازگشت که تلاش برای تغییر مسیر سیاسی و شکل‌دهی به هویت ایرانیان، در کنار مداخله خارجی، به یکی از مؤلفه‌های مهم مناسبات قدرت در ایران تبدیل شده بود. در دوره پهلوی، تشکیل سازمان پرورش افکار در سال ۱۳۱۷، در کنار دیگر برنامه‌های فرهنگی و تبلیغاتی حکومت، در چارچوب سیاست هویت‌سازی از بالا و جهت‌دهی به افکار عمومی قرار داشت؛ سیاستی که می‌کوشید الگوی مطلوب خود را که برپایه نظام ارزشی غربی و ضد نظام هویتی بومی بود، در جامعه تعریف و تثبیت کند. مأموریت این سازمان، مهندسی سیاسی و ابزاری برای تثبیت حضور و نفوذ بود که با گسترش نفوذ امریکا در ساختار سیاسی، امنیتی و فرهنگی حکومت پهلوی، این وابستگی ابعاد تازه‌ای پیدا کرد و استقلال تصمیم‌گیری کشور بیش از پیش تحت تأثیر مناسبات با واشینگتن قرار گرفت.

نقطه عطف آشکار این مداخله، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود؛ زمانی که امریکا و انگلیس با طراحی و اجرای عملیات سرنگونی دولت دکتر مصدق، دولتی که در مسیر ملی کردن صنعت نفت و اعمال حاکمیت ملی بر منابع کشور حرکت می‌کرد، اراده سیاسی ملت ایران را هدف قرار دادند و محمدرضاشاه با اتکا به حمایت واشینگتن به قدرت بازگشت. اهمیت تاریخی این کودتا فقط در تغییر دولت خلاصه نمی‌شود؛ پیام عمیق‌تر آن برای جامعه ایران این بود که قدرت‌های خارجی حاضرند برای حفظ منافع خود، حتی حق انتخاب سیاسی یک ملت را نادیده بگیرند و در ساختار قدرت آن مداخله کنند. این رویداد یکی از مهم‌ترین ریشه‌های تاریخی بی‌اعتمادی ایرانیان به امریکا را شکل داد؛ بی‌اعتمادی‌ای که از تجربه قربانی‌شدن استقلال سیاسی کشور در پای منافع امریکا سرچشمه می‌گیرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، انتظار می‌رفت امریکا واقعیت سیاسی جدید ایران و حق ملت برای انتخاب مستقل نظام حکمرانی خود را بپذیرد، اما مسیر تحولات نشان داد که واشینگتن نه‌تنها با این واقعیت کنار نیامد، بلکه از همان سال‌های نخست، مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی را برای مقابله با جمهوری اسلامی در پیش گرفت. تحریم‌های اقتصادی، فشارهای دیپلماتیک، تلاش برای انزوای ایران، تهدیدهای نظامی و حمایت از اقدامات خصمانه علیه کشور، به ابزارهای مستمر این سیاست تبدیل شدند.

این تقابل در سال‌های بعد، با وجود تغییر دولت‌ها در واشینگتن و فراز و نشیب‌های دیپلماتیک، متوقف نشد. تحریم‌های گسترده نفتی، بانکی و تجاری، محدودسازی دسترسی ایران به اقتصاد جهانی و سیاست فشار حداکثری، عملاً ابزار اقتصادی نیز به بخشی از راهبرد مهار و وادارکردن ایران به عقب‌نشینی تبدیل شد. حتی توافق بین‌المللی برجام نیز مانع سیاست‌های خصمانه امریکا نشد. این رفتار، فراتر از اختلاف بر سر یک پرونده مشخص، این پیام را به جامعه ایران منتقل کرد که حتی توافق و مذاکره نیز تا زمانی که با خواسته‌های حداکثری واشینگتن منطبق نباشد، نمی‌تواند تضمینی در برابر فشارهای بعدی ایجاد کند.

اما خطرناک‌ترین وجه این تقابل، زمانی آشکار می‌شود که ادبیات تهدید از فشار بر حکومت و محدودسازی توان کشور عبور می‌کند و مستقیماً موجودیت ایران، تمدن ایرانی و زندگی مردم را هدف می‌گیرد. تهدید به بازگرداندن ایران به «عصر حجر» و اظهارات مقامات امریکایی درباره نابودی ایران و تمدن آن، صرفاً بیان مواضع تند سیاسی نیست، بلکه نشانه عبور از منطق اختلاف و مذاکره به ادبیات ارعاب و تهدید علیه یک ملت است.

مرور سیر تاریخی رفتار امریکا، از تلاش برای جهت‌دهی به هویت ایرانیان در دوران پهلوی و مداخله در سرنوشت سیاسی کشور در کودتای ۲۸ مرداد، تا حوادث سیزدهم آبان، مقابله با جمهوری اسلامی، حمایت از متجاوز در جنگ تحمیلی، تحریم‌های چنددهه‌ای و تهدید به نابودی ایران، نشان می‌دهد که مسئله اصلی در مناسبات تهران و واشینگتن را نمی‌توان به اختلافات مقطعی یا پرونده‌های سیاسی محدود کرد. آنچه در طول این دهه‌ها تداوم داشته، تلاش برای تأثیرگذاری بر اراده مستقل ایران و وادارکردن آن به پذیرش نظمی است که منافع و اولویت‌های امریکا در آن دست بالا را داشته باشد.

از همین رو، اگر امریکا همچنان در نگاه مردم ایران دشمنی اصلی تلقی می‌شود، باید علت آن را در عملکرد تاریخی و سیاست‌های مستمر ایدئولوژیک این کشور جست‌وجو کرد. ملتی که کودتای ۲۸ مرداد را تجربه کرده، خاطره تحقیر استقلال ملی در دوران پهلوی را در حافظه تاریخی خود دارد، حمایت امریکا از صدام در جنگ هشت‌ساله و سال‌ها تهدید و تحریم را تحمل کرده و اکنون نیز با جنگ تحمیلی تمام‌عیار و تهدیدهایی درباره نابودی کشور و تمدن خود روبه‌روست، نمی‌تواند نسبت به ماهیت چنین سیاست‌هایی بی‌تفاوت باشد. تغییر این تصویر تاریخی، با اظهارات دیپلماتیک یا ادعای حمایت از مردم ایران امکان‌پذیر نیست؛ جنگ‌های تحمیلی جدید که از اسفند ۱۴۰۴ تاکنون، برای همیشه ماهیت فریبکارانه امریکا را برای مردم ایران فاش کرده است و از این رو، امریکا همچنان در جایگاه اصلی‌ترین تهدید و دشمن شماره یک علیه استقلال و امنیت ملی ایران، در اذهان ایرانیان باقی خواهد ماند. و این تصویر پاک‌شدنی نیست.

خبر آخر

روابط عمومی قرارگاه قدس سپاه خبر داد

خنثی‌سازی عملیات تروریستی در سیستان و بلوچستان

با اشراف اطلاعاتی دقیق، یک تیم تروریستی که از قبل شناسایی شده و تحت رصد اطلاعاتی قرار داشت با اقدام بموقع پاسداران گمنام امام زمان(عج) در قرارگاه قدس و سازمان اطلاعات سپاه استان سیستان و بلوچستان قبل از اجرای اقدام تروریستی به کمین افتاد.

به گزارش سپاه نیوز، اطلاعیه روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در پی خنثی‌سازی عملیات تروریستی در جنوب استان به شرح زیر است: با اشراف اطلاعاتی دقیق، یک تیم تروریستی که از قبل شناسایی و تحت رصد اطلاعاتی قرار داشت با اقدام بموقع پاسداران گمنام امام زمان در قرارگاه قدس و سازمان اطلاعات سپاه استان قبل از اجرای اقدام تروریستی به کمین افتاد. در این عملیات یک نفر از تروریست‌ها به هلاکت رسید و تعدادی نیز دستگیر شدند و سایر عناصر متواری در حال تعقیب هستند. لازم به ذکر است این تیم قصد داشت علاوه بر اجرای عملیات تروریستی روی مقرهای نیروهای حافظ امنیت که برای دفاع در برابر دشمن متجاوز در منطقه استقرار یافته‌اند، اقدام به راهبندان جاده زرآباد به کنارک نمایند که با اقدام بموقع رزمندگان اسلام ناکام ماندند. قرارگاه قدس یک بار دیگر اعلام می‌دارد خدشه در امنیت مردم عزیز استان سیستان و بلوچستان خط قرمز بوده و تیم‌های تروریستی که به سفارش دشمن شکست خورده مأموریت انجام می‌دهند تحت اشراف اطلاعاتی قرار دارند.

تحلیل

امریکا باید به ۷ شرط ایران کامل و صریح پاسخ دهد

ایران از پاسخ‌ها قانع نشد

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در آخرین واکنش به روند مذاکرات و در حالی که برخی خوش‌بینی‌ها از طرف خبرگزاری‌های خارجی در پایین آمدن قیمت نفت اثر گذاشت، نوشت: «پاسخ امریکا به حقوق و مطالبات ایران قانع‌کننده نبود و آن‌ها باید کامل و صریح هفت شرط ایران را پاسخ داده و به آن عمل کنند؛ تنها در این صورت تنگه هرمز باز خواهد شد». سخنگوی وزارت خارجه نیز گفت که «نکته جدیدی درباره توافق حاصل نشده است».

در عین حال، منابع نزدیک به تیم میانجی مدعی شدند واشینگتن با پیش‌نویس یادداشت تفاهمی که هیئت قطری روز گذشته به ایران داد، موافقت کرده است. این منابع نوشتند واشینگتن و تهران در موضوع پرونده هسته‌ای ایران و دارایی‌های بلوکه‌شده، امتیازاتی داده‌اند. شاید اظهارات رئیس جمهور که «رهبری برای مذاکرات، اختیارات جدید [به تیم مذاکره‌کننده و دولت] داده است»، به این گمانه‌ها افزوده باشد ولی بحث رقیق‌شدن اورانیوم‌ها (به‌جای انتقال آن به خارج) در مذاکرات قبلی نیز به‌عنوان چیزی که می‌توان در صورت «ادامه مذاکرات و پایبندی به تمام شروط هفت‌گانه ایران» درباره آن مذاکره کرد، مطرح بود و حرف تازه‌ای نیست.

به‌رغم این ادعاها برخی اخبار و نشانه‌ها از جمله خروج دسته‌جمعی جمعیت از فرودگاه‌های شیخ‌نشین‌ها یا انتقال گسترده سوخت‌رسان‌ها و هواپیماهای جنگی به منطقه نشان می‌دهد دست‌کم اخبار صلح و توافق به باور خود این کشورها نرسیده است! گفته می‌شود هیئت قطری دیروز دوباره به ایران آمده ولی واکنش دبیر شعام گواهی است بر ناکافی‌بودن متن پیش‌نویس.

دیدگاه کلی در ایران اعم از شعام و وزارت خارجه آن است که تجارب قبلی، راه را بر هرگونه خوش‌بینی نسبت به جدیت امریکا در دیپلماسی می‌بندد. برای همین «تبادل پیام با میانجی‌ها مانند گذشته ادامه دارد و همزمان آمادگی برای دفاع و پاسخ کوبنده به هرگونه تجاوزی در بالاترین سطح ممکن قرار دارد».

می‌توان فرض کرد که تمامی حرکت‌های مشاهده‌شده در منطقه حتی خبری که از «آماده‌باش ارتش عراق در مرزهای ایران و کویت»(؟!) منتشر شده و برخی از آن‌ها نیز واقعیت دارد، زمینه‌سازی امریکا برای باوراندن وقوع حتمی جنگ به ایران و گرفتن امتیاز بیشتر است؛ کاری که بارها گرده و معلوم نیست چرا نیاموخته است که «آزموده را آزمودن خطاست»! می‌توان نیز فرض کرد که جنگ حتی در یک بازه کوتاه از سر گرفته خواهد شد. در این صورت نیز ایران هشت‌ماه است که آماده این واقعه است و برنامه مشخص خود را نیز تدوین کرده است: اگر جنگ شود، منطقه زمین سوخته خواهد شد و این‌بار حتی فرامنطقه (بدون محدودیت جغرافیایی!) پس بهتر است پاسخی که به مذاکرات می‌دهید ایران را «قانع» کند، و شوهای سیاسی را از این صحنه بیرون ببرید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ختم کلام را درباره ماجراهای این روزهای جنگ و توافق اعلام کرد: «زمان و شرایط پایان حملات دشمن را نیروهای مسلح و ملت ایران تعیین می‌کنند. تمامی تدابیر و فرامین اخیر فرماندهی معظم کل قوا در دیدار فرماندهان عالی نیروهای مسلح را در راستای «بازدارندگی حداکثری» با تمام توان دستور کار قرار داده و در هم‌افزایی و هماهنگی با سایر نیروهای مسلح و مدافع کشور در اجرای آن لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد. آمادگی رزمی هوشمندانه، به‌روزرسانی بانک اهداف و قرار دادن دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن در تیررس، و پاسخ فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی به هر سطح و نوع تهدید، که با حمایت ملی از نیروهای مسلح، رکنی راهبردی در برابر ایران‌ستیزی بیگانگان و مزدوران داخلی را خلق کرده، سرلوحه مأموریت‌های امروز ما است.»

گزارش

مشق مقاومت



نیم‌قرن مقاومت ملت ایران چه درسی دارد، بهتر از همان «کارآمدی مقاومت»؟! وجه داخلی آن را باید «ساخت ایران قوی» دید و وجه بین‌المللی آن را در تغییر رژیم امریکا! در مورد دوم مگر جز این بود که در چنین روزی که با نام روز دانش‌آموز و روز تسخیر لانه جاسوسی گره خورده است، انقلابی‌های ایران کاری کردند که رئیس جمهور محبوب امریکا آن‌قدر ناکارآمد نشان داده شد که نتوانست در دور بعدی دموکرات‌ها را به قدرت برساند، اتفاقی نادر و پیش‌بینی‌ناپذیر. امروز نیز آثار مقاومت مردم ایران در آرای انتخاباتی مردم امریکا نمایان شده است، شکست پیش‌بینی‌ناپذیر دیگری ولی این‌بار برای جمهوریخواهان! در ابعاد داخلی قدرت نظامی و توان علمی ایران و گسترش خدماتی مانند آب و گاز و برق که در ربع قرن بیست‌ویکم هنوز برای برخی مرفهان دنیا آرزو است، ثمره همین مقاومت جانانه مردم ایران است. برخی دشمنان ملت و کج‌فهمان البته مقاومت ایرانیان را به معنای سختی کشیدن و گرسنگی خوردن و تهدید دائم دشمن معنا می‌کنند. زهی اندیشه باطل! اینان معنای استقلال را هرگز درک نکرده‌اند و همین حالا حاضرند ابهت ایرانی را بشکنند تا به خیال خام خود با دشمن به صلح برسند. دنیا امروز در حال یادگرفتن و تمرین مشق مقاومت از ایرانیان است. دریغ که کسانی در داخل این درس را نیاموزند یا نخواهند که بیاموزند و بیاموزانند.

■■■

سیزدهم آبان در تقویم سیاسی ایران، صرفاً سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا در تهران نیست، این روز یادآور مجموعه‌ای از حوادث تاریخی است که هر یک گوشه‌ای از تقابل ملت ایران با سیاست‌های مداخله‌جویانه و سلطه‌طلبانه واشینگتن را آشکار می‌کند. تبعید امام خمینی(ره) در سال ۱۳۴۳ در اعتراض به کاپیتولاسیون، کشتار دانش‌آموزان در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ و تسخیر سفارت امریکا در سال ۱۳۵۸، سه واقعه‌ای هستند که در حافظه تاریخی ملت ایران به نمادهایی از مبارزه با استبداد و سلطه خارجی تبدیل شده‌اند. با این حال، تقلیل سابقه منازعه ایران و امریکا به واقعه تسخیر سفارت، نه‌تنها با واقعیت‌های تاریخی سازگار نیست، که موجب نادیده گرفتن ریشه‌های اصلی این خصومت می‌شود. دشمنی واشینگتن با استقلال و حاکمیت ملی ایران، دست‌کم از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نقش مستقیم امریکا در سرنگونی دولت ملی دکتر محمد مصدق، سابقه‌ای روشن و مستند دارد. بنابراین تسخیر لانه جاسوسی امریکا در آبان ۱۳۵۸، آغاز خصومت واشینگتن با ملت ایران نبود، نقطه‌ای در امتداد زنجیره‌ای از مداخلات، فشارها و اقدامات خصمانه‌ای بود که ۷۳ سال پیش با کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ابعاد گسترده‌تر و آشکارتری پیدا کرد.

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ معادلات سیاسی ایران را به‌طور بنیادین تغییر داد. کشوری که تا پیش از آن در ساختار منطقه‌ای مورد حمایت واشینگتن قرار داشت، با رهبری امام خمینی(ره) مسیر استقلال سیاسی، نفی سلطه خارجی و سیاست «نه شرقی، نه غربی» را انتخاب کرد. از همین رو، تقابل امریکا با جمهوری اسلامی را باید در نسبت با ماهیت استقلال‌طلبانه انقلاب اسلامی بررسی کرد.

با آغاز جنگ تحمیلی هشت‌ساله نیز این تقابل ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. حمایت سیاسی و تسلیحاتی کشورهای غربی از رژیم صدام و نقش‌آفرینی امریکا در حمایت از عراق، از جمله موضوعاتی است که در بررسی تاریخ جنگ و روابط ایران و امریکا جایگاه مهمی دارد. در سال‌های پایانی جنگ، حضور نظامی مستقیم‌تر امریکا در خلیج فارس و رویارویی با نیروهای ایرانی نیز بر ابعاد این منازعه افزود. ساقط شدن هواپیمای مسافربری ایران‌ایر توسط ناو امریکایی وینسنس در تیرماه ۱۳۶۷ و شهادت ۲۹۰ سرنشین آن، یکی از تلخ‌ترین رخدادهای این دوره بود. پس از پایان جنگ نیز فشارها متوقف نشد. تحریم‌های اقتصادی و نفتی، محدودیت‌های مالی و تجاری، تلاش برای منزوی کردن ایران و فشار بر ظرفیت‌های علمی و فناوری کشور، در دوره‌های مختلف ریاست‌جمهوری امریکا ادامه یافت. در این میان، خروج دولت دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای برجام در سال ۱۳۹۷ و بازگرداندن تحریم‌های گسترده، نمونه‌ای روشن از تداوم سیاست فشار حداکثری بود.

■ از جنگ تحمیلی تا رویارویی مستقیم

در سال‌های اخیر، به‌ویژه در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، تقابل واشینگتن با تهران در عرصه‌های مختلف شکل آشکارتری پیدا کرده است. جنگ اقتصادی و تحریم‌ها، اقدامات اطلاعاتی و امنیتی، ترور فرماندهان و دانشمندان و مشارکت امریکا در تجاوزهای نظامی رژیم صهیونیستی، اجزای یک راهبرد واحد برای تضعیف ایران به شمار می‌روند. در همین چارچوب، جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم که در پیام روز گذشته رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به آنها اشاره شده، به‌عنوان مراحل تازه‌ای از تقابل نظامی و امنیتی امریکا و رژیم صهیونیستی با ایران مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. سرلشکر عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، در پیامی به مناسبت ۱۳ آبان، ضمن ترسیم ریشه‌های تاریخی خصومت امریکا با ایران از کودتای ۲۸ مرداد، تأکید می‌کند که تقابل کنونی دیگر صرفاً یک منازعه نظامی نیست، بلکه به مرحله تغییر معادلات و هندسه قدرت جهانی رسیده است.

■ نقشه راه ایران برای امنیت پایدار

اما بخش راهبردی و قابل تأمل پیام فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، ترسیم مختصات ایران پس از جنگ و تبیین شروط تهران برای برقراری امنیت پایدار و پایان دادن به منازعه است. او با اشاره به موقعیت راهبردی ایران و اهمیت تنگه هرمز در معادلات انرژی جهان، از ظهور ایران به‌عنوان یکی از قطب‌های قدرت در نظم جدید جهانی سخن می‌گوید و تأکید دارد که دوران اتکای انحصاری کشورهای منطقه به چتر امنیتی امریکا به پایان رسیده است. بر همین اساس، عبداللهی پنج اصل را به‌عنوان نقشه راه ایران برای دستیابی به امنیت پایدار مطرح می‌کند؛ اصولی که نشان می‌دهد تهران برخلاف فضاسازی‌های طرف مقابل، به دنبال جنگ نیست، اما پایان منازعه را نیز به هر قیمتی و بدون تأمین حقوق و منافع ملی خود نمی‌پذیرد. این پنج اصل عبارتند از: ۱. پایان جنگ در همه جبهه‌ها، به‌ویژه لبنان و غزه، زیرا مذاکره همزمان با تهدید، تحمیل است؛ ۲. رفع کامل تحریم‌ها و آزادسازی اموال مسدودشده ملت ایران؛ ۳. پرداخت غرامت جنگ‌های تحمیلی؛ با این تأکید که ملت ایران بدهکار نیست، بلکه طلبکار است؛ ۴. به‌رسمیت شناختن حاکمیت ایران بر تنگه هرمز و جایگزینی سازوکار هرمز با چتر امنیتی فرسوده امریکا و ۵. تضمین عدم تجاوز مجدد و شکل‌گیری ترتیبات امنیتی درون‌زا در غرب آسیا. عبداللهی در ادامه نیز با تأکید بر اینکه قدرت نظامی برای ایران هدف نیست، بلکه ابزاری برای دفاع و بازدارندگی است، از تغییر رویکرد دفاعی کشور به ابتکار آفندی و عبور از مدیریت بحران به نظم‌سازی سخن می‌گوید. او همچنین به نمایندگی از نیروهای مسلح اعلام کرده که بانک اهداف به‌روز شده و دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن امریکایی ـ صهیونیستی در تیررس قرار دارند و هر سطح و نوع تهدید با پاسخی فوری، تأثیرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی مواجه خواهد شد.

در امتداد همین پیام راهبردی، دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی از مردم برای حضور در راهپیمایی سراسری ۱۳ آبان نیز معنایی فراتر از بزرگداشت یک مناسبت تاریخی دارد. این شورا با انتخاب شعار «میثاق با شهیدان، نبرد با استکبار»، از مردم دعوت کرده است تا با حضور در بیش از ۹۰۰ نقطه کشور، ضمن تجدید میثاق با آرمان‌های شهیدان و اعلام همبستگی ملی، بار دیگر بر استقلال، امنیت و اقتدار ایران تأکید کنند. با این توصیف پیام ۱۳ آبان ملت ایران به امریکا، صرفاً یادآوری گذشته نیست بلکه اعلام موضع درباره آینده است. ۱۳ آبان، یادآور این حقیقت تاریخی است که ملت ایران ممکن است هزینه استقلال و آزادی خود را بپردازد، اما حاضر نیست آن را با وعده‌های سیاسی، فشار اقتصادی یا تهدید نظامی معامله کند.

خبر

رئیس سازمان بسیج مستضعفین:

ملت ایران عزت و استقلال خود را معامله نخواهد کرد



رئیس سازمان بسیج مستضعفین با تأکید بر اینکه ملت ایران خواهان زندگی مطلوب، پیشرفت و رفاه است، گفت: مردم ایران برای دستیابی به این اهداف، حاضر نیستند عزت و استقلال خود را معامله کنند یا زیر بار ظلم و سلطه دیگران بروند. وی با اشاره به فشارها و محاصره اقتصادی علیه کشورمان، ایستادگی ملت ایران بر حقوق و استقلال خود را عامل تداوم این فشارها دانست و تأکید کرد که مسیر پیشرفت کشور با تکیه بر ایمان، استقامت و توانمندی‌های داخلی ادامه خواهد یافت.

به گزارش خبرگزاری بسیج، حجت‌الاسلام حسین طائب، صبح دیروز در مراسم اختتامیه نخستین لیگ علمی «نوپایا»، با اشاره به تفاوت دیدگاه ملت‌ها درباره مفهوم زندگی مطلوب اظهار داشت: برخورداری از یک زندگی خوب، خواسته مشترک همه انسان‌ها و جوامع است، اما تفاوت اساسی در تعریفی است که هر مکتب و جهان‌بینی از این مفهوم ارائه می‌دهد. وی با تشریح دو نگاه متفاوت به زندگی افزود: در یک نگرش، لذت‌جویی و دستیابی به منافع شخصی حتی به قیمت پایمال کردن حقوق دیگران، ثروت و نیروی انسانی ایران، درصدد بودند کشورمان را به ژاندارم منطقه تبدیل کنند تا ضمن تأمین منافع اقتصادی و نظامی امریکا، مانع دسترسی اتحاد جماهیر شوروی به آب‌های منطقه شوند و امنیت رژیم صهیونیستی را نیز تضمین کنند. وی با اشاره به ایستادگی ملت ایران در برابر این سیاست‌ها خاطرنشان کرد: مردم ایران در برابر رژیم استبدادی پهلوی و نظام سلطه ایستادند و با وجود سرکوب و به گلوله بستن دانش‌آموزان و دانشجویان، مسیر انقلاب را تا پیروزی ادامه دادند. در آن دوران، بخش مهمی از مراکز دانشگاهی و زیرساخت‌های راهبردی کشور تحت نفوذ امریکایی‌ها قرار داشت و در قراردادهای نفتی نیز سهم عمده منابع ایران به بیگانگان اختصاص می‌یافت.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: امریکایی‌ها برای تثبیت نفوذ خود، حتی رئیس سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) را در جایگاه سفیر این کشور در ایران قرار دادند و شبکه گسترده‌ای از نیروهای وابسته به خود را سازماندهی کردند. تجهیزات پیشرفته نظامی نیز به‌گونه‌ای در اختیار ارتش ایران قرار می‌گرفت که آموزش و هدایت عملیاتی آن وابسته به امریکا باشد؛ به این معنا که ظرفیت نظامی ایران در خدمت منافع واشینگتن قرار گیرد. طائب با اشاره به تلاش امریکا برای حفظ نفوذ پس از پیروزی انقلاب اسلامی گفت: امریکایی‌ها از طریق سفارت خود در تهران، شبکه‌های جاسوسی و ارتباطی را شکل داده و برای سازماندهی جریان‌های سلطنت‌طلب و گروه‌های مخالف انقلاب تلاش می‌کردند تا مانع استقرار دولت برخاسته از اراده مردم شوند؛ از همین رو، دانشجویان پیرو خط امام(ره) با تسخیر لانه جاسوسی، در برابر این توطئه ایستادند.

رئیس سازمان بسیج در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به تحولات منطقه و اظهارات رئیس‌جمهور امریکا درباره نابودی توان دریایی ایران گفت: امریکایی‌ها در حالی از نابودی نیروی دریایی ایران سخن می‌گویند و مدعی عبور دادن حجم مشخصی از نفت از تنگه هرمز هستند که همچنان در مدیریت بازار انرژی و کاهش قیمت نفت با مشکل مواجهند. اگر ادعای آنان درباره کنترل شرایط درست است، چرا برای اثرگذاری بر قیمت نفت به طرح موضوع مذاکرات متوسل می‌شوند؟ واقعیت این است که تنگه هرمز امروز به یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در تغییر موازنه قدرت تبدیل شده است. وی افزود: فشارها و محاصره اقتصادی علیه ملت ایران نیز از آن رو، ادامه دارد که مردم این سرزمین بر استقلال و حقوق خود پافشاری می‌کنند. ملت ایران زندگی خوب و پیشرفت را می‌خواهد، اما حاضر نیست برای دستیابی به آن، عزت و استقلال خود را معامله کند یا زیر بار ظلم برود. طائب در پایان با اشاره به آیه شریفه «رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» تأکید کرد: به فضل الهی، حرکت علمی کشور با شتاب بیشتری ادامه خواهد یافت و با تکیه بر ایمان، استقامت و توانمندی‌های داخلی، زمینه تحقق زندگی مطلوب برای ملت ایران، مسلمانان و مستضعفان جهان فراهم خواهد شد.

یادداشت

فرصت بازخوانی حافظه تاریخی ملت در ۱۳ آبان



سید عبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

هفت دهه تقابل و خوی تجاوزگری تا جنگ ۳۶۰ درجه کنونی نشان می‌دهد که ایران با یک دشمن معمولی مواجه نیست. امریکا را در بستر تاریخ و با آنچه طی هفت دهه گذشته درباره ایران انجام داده، باید شناخت. تاریخ روابط دو کشور روایت مستمر تقابل با ملتی است که تصمیم گرفته سرنوشت خود را نه در واشینگتن بلکه در اراده ملی خویش جست‌وجو کند. ۱۳ آبان فرصتی برای بازخوانی این حافظه و فهم صورت‌بندی جدید دشمنی‌هاست.

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و مداخله در سرنوشت سیاسی ایران تا حمایت و بلکه هدایت رژیم بعث در جنگ تحمیلی، از فشارهای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی و همه‌جانبه فرساینده تا تهدیدهای نظامی و از فشارهای دیپلماتیک و ائتلاف‌سازی تا رویارویی مستقیم، تلاش برای محدودسازی ظرفیت ایران برای استقلال راهبردی پیوسته قابل مشاهده است. مسئله امریکا با ایران مسئله با کشوری است که می‌خواهد درباره امنیت، پیشرفت، منابع و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود مستقلاً تصمیم بگیرد.

و اما آنچه رویارویی اخیر را از بسیاری از جنگ‌های تاریخی هفت دهه گذشته متمایز می‌کند، نه فقط شدت تقابل نظامی بلکه ائتلاف‌سازی و گستره و هم‌زمانی میدان‌های نبرد است. ایران با یک ارتش یا صرفاً چند نیروی نظامی به هم پیوسته مواجه نیست، با منظومه‌ای کامل از قدرت روبه‌رو است که ابزارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اطلاعاتی، رسانه‌ای و شناختی را در یک میدان واحد به هم پیوند داده است. این همان مفهوم «جنگ ۳۶۰ درجه» است، جنگی که در آن جبهه صرفاً در مرزهای جغرافیایی شکل نمی‌گیرد. از عملیات نظامی و ترور تا اقدامات خرابکارانه و امنیتی از تحریم و فشار اقتصادی تا تلاش برای انزوای سیاسی، از شبکه‌های رسانه‌ای و ماهواره‌ای تا میدان بی‌مرز فضای مجازی، از جنگ روایت‌ها و دست‌کاری در ادراک تا سازماندهی، آموزش و تجهیز و هدایت گروه‌های شورشی و تحریک شکاف‌های اجتماعی و قومی، همه می‌توانند اجزای یک منظومه واحد برای فرسایش قدرت ملی و بلعیدن ایران باشند. در عرصه رسانه، تحول فناورانه، ماهیت جنگ را دگرگون کرده است. برای نخستین بار ظرفیت گسترده رسانه‌های فراملی، شبکه‌های اجتماعی، پخش زنده و ارتباطات لحظه‌ای در مقیاسی بی‌سابقه به میدان آمده است. در حوزه امنیتی نیز مسئله تنها مقابله با یک جبهه محدود نیست، مواجهه با تهدیدهایی پراکنده در گستره جغرافیایی کشور، از شمال‌غرب تا جنوب‌شرق، و شبکه‌هایی است که می‌توانند از مرزهای ملی فراتر روند. در چنین شرایطی، مرز میان میدان جنگ و زندگی روزمره، میان عملیات نظامی و ادراک عمومی، بیش از هر زمان دیگری سیال شده است.

هدف امریکا از جنگ ترکیبی ۳۶۰ درجه فقط آسیب‌زدن به توان نظامی ایران نیست، فرسایش هم‌زمان اعتماد، انسجام، امنیت، امید، اراده و توان تصمیم‌گیری مستقل به عنوان مؤلفه‌های قدرت ملی است. از همین رو، دفاع در برابر چنین جنگی نیز نمی‌تواند به قدرت تسلیحاتی محدود بماند. بازدارندگی نظامی ضروری است، اما در کنار آن انسجام اجتماعی، کارآمدی اقتصادی، سرمایه علمی، امنیت اطلاعاتی و اعتماد عمومی، اجزای جدایی‌ناپذیر امنیت ملی‌اند. جنگ اخیر، ضرورت بازنگری در دکترین و محاسبات دفاعی و امنیتی را نیز آشکار کرد. تغییر در شیوه‌های دفاع و بازدارندگی، برآمده از تجربه و شناخت دقیق تهدید، یک ضرورت راهبردی و منطق پویای قدرت است. کشوری که از تجربه درس نگیرد، در تکرار آسیب‌پذیری‌ها گرفتار می‌شود، اما قدرتی که تهدید را به دانش، دانش را به ظرفیت و ظرفیت را به بازدارندگی تبدیل کند، مسیر ارتقای خود را هموار می‌کند. بنابراین، بزرگداشت ۱۳ آبان و روز ملی مبارزه با استکبار فرصتی برای فهم قواعد امروزی مبارزه و ایجاد آمادگی برای فرداست. تجربه تاریخی نشان داده که اعتماد به وعده‌ها جز خسارات و از دست رفتن فرصت‌ها هیچ نفعی برای کشور نداشته و گفت‌وگو با دشمن بدون پشتوانه قدرت، نه‌تنها امنیت نمی‌آفریند بلکه بی‌شک امنیت را تهدید و دشمن را به زیاده‌خواهی، تشدید فشار و شرارت بیشتر تشویق می‌کند. ایران در جنگ ۳۶۰ درجه‌ای ایستاده است، پس پیروزی نیز در گرو دیدن ۳۶۰ درجه‌ای میدان، شناخت همه ابعاد تهدید و تبدیل همه ظرفیت‌های ملی به قدرتی هم‌افزا خواهد بود. در برابر جنگی که همه میدان‌ها را هدف گرفته، پاسخ نیز باید همه‌جانبه باشد. تقویت دفاع، پیشرفت علمی و فناورانه، ترمیم و ارتقای سرمایه اجتماعی، هوشیاری در برابر عملیات شناختی و حفظ انسجام ملی. ملتی که از تاریخ خود آگاه و در درون خود منسجم، و در اراده پیشرفت مصمم است، هیچ قدرتی نمی‌تواند چنین ملتی را از مسیرش خارج کند.

گزیده خبر

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس:

تحریف‌کنندگان دفاع مقدس به محاکم قضایی معرفی می‌شوند

**رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت با هشدار نسبت به اظهارنظرهای غیرواقعی و تحریف‌آمیز درباره دفاع مقدس هشت‌ساله، جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم و عملکرد فرماندهان شهید تأکید کرد: